

اجازه ندهید دیگران کاری را که به آن‌ها واگذار کرده‌اید، دوباره به خودتان محول کنند.

www.mandegardaily.com

سال هفتم: شماره ۱۵۱۳۳: یکشنبه ۲۳ حمل / فروردین ۱۳۹۴: ۲۲ جمادی الثانی ۱۴۳۶: ۱۲ اپریل ۲۰۱۵

اولیگارش‌ها در زورق «دولت وحدت ملی»



صفحه ۶

نباید در آتش خاورمیانه بسوزیم



خالد نجوا - آگاه روابط بین‌الملل

کشورها، سیاست خارجی خود را بر پایه تعقیب اهداف سیاسی و استراتژیک در بیرون از مرزها و یا هم با تأثیرپذیری از عوامل و فکتورهای بیرونی تدوین می‌کنند که چه‌گونه‌گی شکل‌دهی آن، بستگی به نوع سیاست‌های راهبردی کشورها دارد. گاه این سیاست‌ها در شکل انزوا (Isolation)، گاه در بی‌طرفی کامل، گاه در گسیخته‌گی و انفصال (Disconnection) و گاه هم با شکل‌دهی اتحادها اتفاق می‌افتد که چه‌گونه‌گی این روابط را سیاست‌های استراتژیک و منافع کشورها تعیین می‌کند. در مقطعی منافع ملی هر کشوری ایجاب می‌کند تا سیاست انزوا را در پیش گیرد تا از این طریق بتواند...

ادامه صفحه ۶

نگرانی شدید اعضای مجلس از وضعیت نابسامان کشور



جزئیات نداده است. طالبان همه ساله در فصل بهار حملات شان را شدت می‌بخشند. امسال نیروهای خارجی در خطوط مقدم جنگ حضور ندارند و نیروهای امنیتی افغانستان باید به تنهایی حملات طالبان را دفع کنند. اکثر نمایندگان پارلمان از ناامنی شکایت دارند و می‌گویند مردم در ولایات از ناامنی‌ها در نتیجه فعالیت طالبان به ستوه آمده‌اند.

ادامه صفحه ۶

عبدالرووف ابراهیمی رییس پارلمان در جلسه عمومی روز شنبه (۲۲ حمل / ۱۱ اپریل) گفت: «شهروندان ما در نتیجه جنگ‌ها سر بریده می‌شوند و شهید می‌شوند، تداوم این حالت پذیرفتنی نیست. در حالی که وزیر دفاع یکی از مهم‌ترین پست‌های امنیتی است، وزیر این وزارت در جمع کابینه دیده نمی‌شود.»

عزیزه جلیس نماینده ولایت سرپل از افزایش ناامنی‌ها انتقاد کرد و گفت مردم افغانستان همه روزه قربانی

با آغاز فصل بهار، ناامنی‌ها در کشور افزایش یافته و نمایندگان پارلمان نسبت به گسترش دامنه ناامنی‌ها نگرانند. نمایندگان می‌گویند تکمیل نبودن کابینه حکومت یکی از دلایل اصلی ناامنی‌ها است.

در تازه‌ترین موارد ولایات بلخ، غزنی و ننگرهار شاهد حملات مرگبار بوده است. طالبان روز جمعه با حمله بر سارنوالی استیناف بلخ، ۱۸ نفر را کشتند و ۶۷ تن دیگر را زخمی نمودند. در همین روز غزنی نیز شاهد رویداد مرگباری بود. ۱۲ تن از باشندگان غزنی در نتیجه انفجار ماین، در ولسوالی خوگیانی جان شان را از دست دادند.

وزارت دفاع افغانستان در خبرنامه‌ی گفته‌است که حدود ۲۰۰ شورش روز جمعه بر پسته‌های نیروهای اردوی ملی در ولسوالی جرم ولایت بدخشان حمله کرده‌اند. این وزارت گفته‌است که در این حمله بر نیروهای امنیتی افغانستان تلفات وارد گردیده است، اما

رییس جمهور غنی:

قاتلان نیروهای امنیتی بخشیده نخواهند شد



رییس‌جمهور غنی در تماس تلفونی با مسوولان امنیتی ولایت بلخ گفته‌است که قاتلان نیروهای امنیتی کشور هیچ‌گاهی بخشیده نخواهند شد.

براساس خبرنامه ارگ، رییس‌جمهور غنی در این صحبت تلفونی به فرمانده پولیس، رییس امنیت ملی و برخی از مقام‌های دیگر...

ادامه صفحه ۶

اتاق تجارت و صنایع افغانستان:

امضای توافقنامه ترانزیتی پتا به سود ما نیست



اتاق تجارت و صنایع افغانستان در آستانه امضای توافقنامه ترانزیتی میان کابل، اسلام‌آباد و دوشنبه موسوم به پتا، آن را برای افغانستان بی‌ثمر می‌داند. توافقنامه ترانزیتی افغانستان، تاجیکستان و پاکستان موسوم به پتا به‌زودی میان این سه کشور به امضا می‌رسد.

مقامات وزارت اقتصاد و تجارت تاجیکستان می‌گویند: متن توافقنامه پتا میان نمایندگان بازرگانی افغانستان، پاکستان و تاجیکستان تکمیل شده و به‌زودی امضا خواهد شد. سید رحمان نظروف معاون وزارت اقتصاد و تجارت تاجیکستان در اجلاس نمایندگان این سه کشور که در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان برگزار شد، گفت: با امضای توافقنامه ترانزیتی پتا، میزان فعالیت‌های بازرگانی و تجاری میان افغانستان، پاکستان و

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



بلخ را کی‌ها ناامن می‌سازند؟



خشونت در نظرگاه انتقادی اسلاوی ژیتیک



«مولوی بار دگر کوچیده است از کوی من»

کمیسیون‌های انتخاباتی تلاش دارند مانع تصویب طرح تعدیلی شوند



احمد عمران

بلخ را کی ها ناامن می سازند؟



چهره ملی، مورد احترام و موجد بازسازی های بلخ است. عده بی می کوشند با ارایه وارونه از وضعیت بلخ، در اصل کارنامه والی آن را مورد شک و تردید قرار دهند. وقتی بحث این مطرح می شود که والی های ولایات نباید از ولایت خود باشند، هیچ دلیل و منطق خاصی در عقب آن وجود ندارد؛ چون به هزار و یک دلیل با توجه به شرایط افغانستان، بهتر آن است که والی ها از خود ولایات باشند. اما آقای رییس جمهوری می خواهد این معادله را که در حال حاضر کارساز با شرایط افغانستان است، برهم بزند و والی های غیربومی به ولایات بفرستد. دلیل اصلی هم تا جایی که نگارنده در جریان است، برمی گردد به موجودیت استاد عطا محمد نور به عنوان والی بلخ. دولت آقای غنی طرح غیربومی کردن والیان را صرف به این دلیل آغاز کرده است که بتواند با استفاده از این سیاست، آقای نور را از ولایت بلخ دور سازد. اما دولت روی دیگر این سکه را نخوانده است که با دور شدن استاد عطا محمد نور، حلقهات مخل امنیت نیز آرام نخواهند نشست و شمال کشور را به مناطق ناامن و مراکز تولید مواد مخدر تبدیل خواهند کرد. بدون تردید در عقب واقعات بلخ، دست های پنهان و آشکاری در کار است و پروژه کلان ناامن سازی شمال افغانستان آغاز شده است. باید هوشیار بود و در برابر چنین سیاست خطرناک و ویرانگری ایستادگی کرد.

هفته گذشته شهر مزارشریف شاهد یکی از مخوف ترین و مدهش ترین حملات انتحاری و تهاجمی مخالفان مسلح بود. هرچند طالبان مسوولیت این حمله را به عهده گرفته اند؛ اما از قرائن پیداست که دست های دیگری نیز در این رویداد خونین که باعث کشته شدن هژده تن و ۶۸ غیرنظامی دیگر شد، دخیل بوده است. بلخ از دیرزمانی به عنوان شهری پیشتاز در عرصه بازسازی، تأمین امنیت و نابودی کشت کوکنار، زبان زد عام و خاص بوده است. این شهر طی ده سال گذشته از یک شهر ویران و مخروبه، به شهری مدرن و شکوفا تبدیل شد. در این جای شک نیست که اراده مردم مزار شریف و در کل شهروندان بلخ در این تغییرات و بازسازی ها بارز بوده است. نمی توان مسوولیت پذیری بازگانان بلخ را در توسعه و عمران این کهن دیار باستانی از نظر دور داشت. اما در این میان یک عامل مهم و سرنوشت ساز نیز حضور داشته و آن، نخبه گان سیاسی و رهبری این ولایت در ایجاد تغییرات موجود بوده است. بدون شک اگر ولایت بلخ والی قدرتمند و فداکاری چون عطا محمد نور نمی داشت، این همه تغییرات در این شهر رونما نمی شد. بلخ در طول سیزده سال گذشته، تنها خار چشم دشمنان کشور نبوده، حتی برخی ها که در دورن نظام نیز حضور داشتند، حسی بدبینانه و تعصب آلود نسبت به این شهر و بازسازی های آن نشان می دادند. امنیت، بازسازی و در کل

چهره جدید بلخ برای این عده قابل تحمل نبود؛ از این رو نسبت به شخص والی بلخ، همواره در حال توطیه گری و دسیسه سازی بودند، آن هم توطیه و دسیسه کاری هایی که به هزار سریش الفی نمی شد به والی بلخ نسبت داد. این جریان بدون شک پایان نیافته و هنوز عده بی در پی ناامن سازی شمال و انتقال جغرافیای جنگ به این سرزمین آباد و آرام اند. آنانی که می خواهند وضعیت شمال و به ویژه بلخ را ناامن جلوه دهند، تنها طالبان و یا گروه نوظهور داعش نیستند که در بخش هایی از این حوزه در حال گسترش نفوذ خود و سربازگیری اند، بل چهره های متعصب و قوم گرایی نیز در درون ساختار نظام حضور دارند که چشم دیدن بلخ آرام و آباد را ندارند. بخشی از این پروژه حتی عوامل بیرونی دارد و نهادهای در تباری با برخی قوم گرایان محلی، تلاش هایی را آغاز کرده اند که بلخ بامی را آتشی در زیر خاکستر نشان دهند؛ آتشی که به باور آنان از دیرزمانی در این شهر وجود داشته و حالا هرازگاه فرصت و مجال بروز پیدا می کند. بلخ را عده بی با برنامه های از قبل تنظیم شده در صدد ناآرام کردن اند. این عوامل و چهره ها زیاد ناشناخته هم نیستند. برخی ها حتی از ارگ ریاست جمهوری دستور گرفته اند که بلخ را ناامن سازند. در این میان البته یک بحث مهم جریان دارد که قوم گرایان آن را به شدت دنبال می کنند و آن زیر سوال بردن نقش و فعالیت های والی بلخ در طول سیزده سال گذشته به عنوان یک

سخن ماندگار

افزایش حملات انتحاری و دیگر هیچ!

بعد از سکوتی چند روزه، بار دیگر فصل جدید حملات انتحاری در کشور آغاز شده است. حمله گروهی انتحاری در بلخ، و حملات انتحاری در چندین ولایت کشور از جمله کابل نشان می دهد که طالبان و استخبارات پاکستان هم چنان به حملات شان ادامه می دهند و هیچ تغییری در برنامه های آنان به میان نیامده است. یعنی این که تلاش ها و زمینه سازی ها و مقدمه چینی ها برای دست یافتن به فرصتی برای مذاکره و صلح با طالبان یا پاکستان، هیچ فایده بی نداشته و هیچ پیشرفتی صورت نگرفته است. همان گونه که ما تحلیل می کردیم، تلاش های صلح خواهانه دولت آقای غنی در روند صلح نیز در ادامه همان تلاش های بی ثمر و بی نتیجه آقای کرزی بوده و هیچ تفاوت بنیادینی با رویکردهای گذشته ندارد. طی کمتر از دو هفته، افغانستان شاهد نزدیک به بیست حمله انتحاری در کابل و برخی ولایات ها بوده است. افزایش این حملات نشان می دهد که سران دولت وحدت ملی به آن تعهداتی که در زمان مبارزات انتخاباتی شان در زمینه تأمین امنیت داشتند، توجه نکرده اند. سران دولت وحدت ملی در ایام کمپاین های انتخاباتی، آقای کرزی را به بی کفایتی در عرصه تأمین امنیت متهم می کردند؛ اما حالا باید خود سر در گریبان فرو برده و دلیل این ناامنی ها و بی کفایتی ها را به مردم توضیح دهند. بارها گفتیم که انجام موفقانه حملات انتحاری در کابل و مرکز ولایات بدون همکاری یک حلقه خاص و مزدور دشمن در داخل دستگاه های حکومتی به خصوص نهادهای امنیتی، ممکن نیست. بنابراین، از دولت وحدت ملی می خواهیم که ستون پنجم دشمن را در درون نهادهای امنیتی شناسایی و از کار اخراج کند. به نظر می رسد که اصلاحات صورت گرفته در وزارت داخله کافی نیست و باید این اصلاحات، موثر و ساختاری باشد. باید نهادهای امنیتی ملی و وزارت دفاع ملی کشور نیز به صورت بنیادی از وجود افراد مشکوک و متمایل به دشمن پاک گردد. اما متأسفانه دولت وحدت ملی در نزدیک به هفت ماهی که گذشت، هنوز وزیر دفاع ندارد و هنوز هم رهبران آن توافق نامه سیاسی را عملی نکرده اند.

به هر صورت، حالا که مشخص شده طالبان انعطاف ناپذیر اند و خیریتی هم از تلاش های کشور چین و پاکستان برای دست یافتن به صلح متصور نیست، دولت باید راه، روش و رویکرد خود را نسبت به طالبان و وضعیت روشن کند. رییس جمهور باید از تلاش های بی حاصل برای گفت و گوهای صلح دست بردارد و به مسوولان نهادهای امنیتی دستور دهد که فعالیت های استخباراتی و کشفی شان را برای شناسایی عوامل نفوذی دشمن و خنثاسازی عملیات های انتحاری در نقطه شدت بخشند و قاطعانه برای رسیدن به ثبات، دهشت افکنان را سرکوب کنند. در غیر آن، اگر وضعیت به همین منوال پیش رود که از یک سو مردم هر روز شاهد حملات خون بار طالبان باشند و از سوی دیگر، دولت دست روی دست گذاشته و قربانی شدن آن ها را تماشا کند و مردم را به گفت و گوهای بی معنی صلح بفریبد؛ دیری نخواهد گذشت که موجی از اعتراضات در برابر دولت جدید شکل می گیرد و وضعیت را بدتر از بد می سازد. دولت، مسوولیت تأمین امنیت شهروندان را دارد و این مسأله نباید در گیرودارهای سیاسی و چانه زنی های قدرت فراموش گردد. اگر قرار باشد که چانه زنی های سیاسی باعث شود طالبان بیشتر مجال آدم کشی و دهشت افکنی بیابند، مردم ناچارند کار و بار روزانه شان را تعطیل کنند و خود برای حفظ جان شان و جبران کم کاری های دولت چاره بجویند. مسلماً ادامه این وضع، مردم را از دولت وحدت ملی مأیوس می سازد و ثابت می کند که میان دولت آقای غنی و دولت آقای کرزی تفاوت چندانی وجود ندارد.

والی بلخ در دیدار با معاون ریاست اجرایی: عاملان حمله به بلخ افشا می شوند



و به برخی از برنامه های تخریبی دیگر نیز اشاره کرد که پیش ازین به هدف نا امن سازی بلخ راه اندازی شده بود اما با همکاری مردم و تلاش مسوولان مهار شده بود. آقای نور در بخش دیگری از صحبت هایش از اجرای یک سری برنامه هایی خبر داد که قرار است بمنظور رسیدگی به این رویداد، افشای عوامل آن و معرفی مهره های همکار آنان و همچنین تقویت امنیت بلخ به منصفه اجرا گذاشته شود. در پایان دیدار هردو جانب در یک نشست ویژه و سری، روی مسایل جاری کشور، بحث و تبادل نظر نمودند.

عطا محمد نور والی بلخ و محمد محقق معاون ریاست اجرایی در مقر ولایت بلخ در دیداری (ویژه و سری) باهم گفت و گو کردند. براساس خبرنامه ولایت بلخ، در این دیدار که روز جمعه انجام شد، عطا محمد نور به حاجی محمد محقق گفت که برنامه بی را برای افشاسازی عاملان حمله اخیر بر ساختمان دادستانی ولایت بلخ روی دست دارند. محمد محقق ضمن ابراز مراتب تسلیت و همدردی خود در پیوند با رویداد روز پنجشنبه در اداره سارنوالی بلخ، به روح شهدا اتحاف دعا نمود و برای مجروحان شفای عاجل تمنا کرد. معاون ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی، حمله بر یک اداره ملکی را کار بزدلانه و بی رحمی به مردم بی گناه عنوان کرده، آنرا تلاش هایی در جهت نا امن سازی بلخ به عنوان یک ولایت با امن و دارای ثبات خواند. استاد محمد محقق، پیش رفت و دست آورد ها در بلخ را در کنار امنیت و زندگی مسالمت آمیز و با همی مردم آن، خار چشم دشمنان خوانده، هدف گیری بلخ را توسط دشمنان چیزی بیشتر از هدف گرفتن آرامش مردم ندانست. همچنین والی بلخ با قدر دانی از ابراز تسلیت، دیدگاه ها و نظریات استاد محمد محقق، تلاش های مذبحخانه دشمنان را برای نا امن سازی بلخ، جزء همان برنامه هایی عنوان کرد پیش ازین نیز بلخ و مردم آن را هدف قرار داده بود. اما به نتیجه بی نرسید. والی بلخ دست داشتن عوامل داخلی و بیرونی را درین رویداد تایید کرد

رییس کمیسیون عدلی و قضایی خطاب به اعضای مجلس:

کمیسیون‌های انتخاباتی تلاش دارند

مانع تصویب طرح تعدیلی شوند

کمیسیون‌های انتخاباتی بیاید و این افراد برطرف شده و چهره‌های جدید به کمیسیون‌ها بیایند تا اعتماد جامعه جهانی و مردم را جلب کنند.

این موارد را رییس مجلس برای ما گفتند که نظر تمامی اعضای مجلس این گونه است و کمیسیون عدلی و قضایی به گونه اختصاصی باید روی موارد چالشی در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی کار کنند.

آرزو دارم که اعضای مجلس این گفته‌های خود را از یاد نبرند که همه گفته‌های شان ثبت و با درک حساسیت موضوع حرف‌های خود را پس نگیرند و تعدیلاتی که به نفع آینده افغانستان، دموکراسی و حاکمیت مردم است را کمک کنند و این تعدیلات را به تصویب برسانند.

گفته می‌شود که چون سال اخیر کاری مجلس است، از منظر قانونی مجلس نماینده‌گان اجازه تصویب این تعدیلات را ندارند، شما چقدر این موارد را می‌پذیرید؟

در این مورد بحث‌های زیادی در داخل مجلس نماینده‌گان نیز صورت گرفت؛ برداشت همه این است که صراحت قانون اساسی این است که مجلس نماینده‌گان در سال اخیر دوره تقنینی نمی‌تواند به قانون انتخابات تعدیل وارد کند.

ما عملاً دو تا قانون داریم که یکی قانون انتخابات است و دیگری قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی. بر بنیاد ماده ۱۵۶ قانون اساسی شورا صلاحیت دارد هر زمانی که لازم بداند قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی را تعدیل کند. هیچ‌گونه محدودیت زمانی برایش در نظر گرفته نشده و از صلاحیت‌های شورای ملی افغانستان است.

در پیوند به قانون انتخابات ما مانع قانونی داریم و در نظر هم نداریم تا روی این قانون کار کنیم و عملی خلاف قانون انجام دهیم.

آوردن این اصلاحات تا چه میزانی روی اعتماد از دست رفته مردم کمک خواهد کرد؟

مطمین هستم که آمدن تعدیلات در این قانون که در فرایند خود تغییرات گسترده‌ی را در کمیسیون‌های انتخاباتی خواهد آورد، بتواند یک‌بار دیگر اعتماد از دست رفته مردم را به پروسه انتخابات جلب کند و نشان دهد که دولت برای آوردن این اصلاحات مصمم است.

مردم نیز از جنگ خسته اند و با آمدن این اصلاحات بار دیگر نیز پای صندوق‌های رأی خواهند رفت.

به عنوان رییس کمیسیون عدلی و قضایی مجلس نماینده‌گان خواست و برنامه آینده تان برای تصویب طرح تعدیلی این قانون چیست؟

ما آماده‌گی‌های خود را داریم تا تعدیلات کاملاً وارد شود و فقط یک مورد اختلافی باقی مانده که با گزینه‌هایی که در این زمینه وجود دارد این مورد هم حل خواهد شد. از همکاران عزیز خود به عنوان یک دوست جدا می‌خواهم که به قول و قرار خود ایستاده باشند؛ تمام حرکت‌های ما مطابق به قانون و به‌خاطر آوردن اصلاحات و جلب اعتماد مردم باشد و این تعدیلات را یک دست و یک پارچه وارد کنیم و منافع فردی هیچ کسی را در نظر نگیریم.

از مردم می‌خواهم که با نماینده‌گان خود صحبت کنند تا این تعدیلات در قانون بیاید و آینده انتخابات‌های افغانستان را ضمانت کند.

به عنوان پرسش آخر، اگر این اصلاحات وارد نشود انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی با چه سرنوشتی روبرو خواهد شد؟

فکر می‌کنم که وقتی مردم به عنوان یک طرف قضیه اعتماد نکنند و هر قدر هم که دنیا آماده شوند تا پول بپردازند و دولت هم مصمم به تأمین امنیت انتخابات باشد و این اصلاحات وارد نشود، مردم به طرف انتخابات نخواهند رفت و ما آینده روشنی نخواهیم داشت. اصلاحات جز اساسی اعتماد مردم به روند انتخابات در کشور است و باید این اصلاحات وارد شود.

ممنون.

سلامت باشید.



به مجلس نماینده‌گان داشته‌اند. آنان افراد و اشخاص زیادی را در داخل مجلس نماینده‌گان و دارالانشا پیدا کردند تا نماینده‌گان در این مورد توافق نظر پیدا نکنند و طرح تعدیلی قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی به تصویب نرسد.

آنچه را که اینها به شماری از وکلا وعده کرده‌اند این بوده که گفته‌اند، اگر در انتخابات آینده در کمیسیون‌های انتخاباتی ما باشیم، به صورت تضمین شده شما را موفق می‌سازیم تا به عنوان نماینده‌گان مجلس دوباره راه پیدا کنید؛ دلیل اثباتیه به این ادعا:

یک - رفت و آمد رییس کمیسیون شکایات انتخاباتی (عبدالستار سعادت) به داخل مجلس نماینده‌گان.

دو- در عین حال، رفت و آمد بعضی از اعضای کمیسیون انتخابات در داخل مجلس؛ در داخل ولسی جرگه شماری از وکلایی که اعضای مجلس به آنان مراجعه کرده بودند، اعتراف کردند که اعضای کمیسیون نزدشان آمده و از آنان خواهش کرده اند که شما این قانون را به تصویب نرسانید.

سه- یک عضو عضو کمیسیون انتخابات (شریفه زرمی) در داخل صحن ولسی جرگه آمدند، علیه شورای ملی مصاحبه کرده و گفتند که اینان (نماینده‌گان) صلاحیت آوردن تعدیل در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت کمیسیون‌های انتخاباتی را ندارند.

چهار- من در برنامه به روایت دیگر در تلویزیون طلوع نیوز اشتراک داشتم که در این بحث، باری سلام، حلیم فدایی و نورمحمد نور سخنگوی کمیسیون انتخابات نیز شرکت کرده بودند. در این برنامه، آقای نور گفت که بلی ما (کمیسیون انتخابات) لابی کردیم و تلاش هم داریم تا قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی به تصویب نرسد. این‌ها همه دلایلی هستند که به اثبات می‌رسانند که ادعای من هوایی نبوده و نشان می‌دهد که کمیسیون‌های انتخاباتی در تلاش هستند تا نگذارند که این قانون به تصویب برسد.

با توجه به مواردی که شما از آن یادآوری کردید، سرنوشت قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی چه خواهد شد؟ ما کدام علاقه شخصی به‌خاطر آوردن اصلاحات در این قانون و ساختارهای انتخاباتی نداشته‌ایم، بلکه چهره‌های این روند، مردم را صدمه زدند و خیانت بزرگی را مرتکب شدند. به همین دلیل ما طرف‌دار اصلاحات بودیم و هستیم.

برای آوردن اصلاحات تنها کمیسیون عدلی و قضایی مجلس پیش‌قدم نبود. بلکه جمع‌بندی نظرات اعضای مجلس بود که در وقت امتیازی صحبت‌های داشتند و هر نماینده از تمامی ولایات افغانستان بارها نگرانی مردم را مطرح کردند و گفتند که کمیسیون‌های انتخاباتی متقلب اند و خیانت کرده و به رأی مردم احترام نگذاشته و آبروی مردم افغانستان را برده اند، دنیا بار دیگر پول نمی‌دهند و مردم نیز دل‌سرد شده و پای صندوق‌های رأی نخواهند رفت و حتمی باید این اصلاحات در

چهره‌هایی که می‌آیند لازم است، باید توافق نظر وجود داشته باشد که بعد از فرمان رییس جمهور به کار خود آغاز می‌کنند.

حالا نگریده شده که اگر شورا کمیته گزینش را پذیرفت، در آن صورت رییس مجلس نماینده‌گان و مجلس سنا، رییس ستره محکمه، رییس کمیسیون حقوق بشر، رییس کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی، نماینده‌گان نهادهای مدنی مرتبط به انتخابات، در این کمیسیون عضو خواهند شد.

اگر کمیته گزینش باقی نماند، رهبران دولت با هم توافق می‌کنند و کمیشنران کمیسیون‌ها را انتخاب می‌کنند.

کمیسیون عدلی و قضایی مجلس، از چه زمانی به این سو روی طرح تعدیلی قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی کار کرده و کدام موارد در این قانون تعدیل شده است؟

نزدیک به سه ماه است که روی این قانون کار کرده‌ایم؛ نشست‌هایی با اعضای جامعه مدنی، احزاب سیاسی، استادان دانشگاه، کمیسیون‌های زیرپرت مجلس نماینده‌گان و وزارت عدلیه داشتیم که براینند این نشست‌های ما، آمدن بیش از بیست و دو مورد تعدیل در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی است و موارد دیگر همه توافقی هستند و تنها مورد اختلافی باقی مانده هم حل خواهد شد.

در شرایط امروزی و با توجه به نتایجی که انتخابات افغانستان داشت، اصلاح این قانون را چقدر مهم می‌پندارید؟

اصلاحات از موارد ضروری در کمیسیون‌های انتخاباتی و قوانین انتخاباتی شمرده می‌شود؛ بدون آوردن اصلاحات به هیچ وجه نمی‌توانیم اعتماد مردم افغانستان را به انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی جلب کنیم.

انتخابات آینده کاملاً وابسته به آمدن اصلاحات در ساختارها و قوانین انتخاباتی است؛ در جریان هستید که جامعه جهانی که هزینه انتخابات را می‌پردازند، گفتند اگر در کمیسیون‌ها و قوانین انتخاباتی اصلاحات به وجود نیاید، ما پول نمی‌پردازیم و مردم افغانستان نیز گفته اند، تا زمانی که اصلاحات لازم به میان نیاید پای صندوق‌های رأی نخواهند رفت. بنابراین، انتخابات‌های آینده کاملاً وابسته به اصلاحات در ساختار و قوانین انتخاباتی است.

زمانی که طرح تعدیلی قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی به مجلس عمومی آمد و این طرح تصویب نشد، شما ادعا کردید که شماری از نماینده‌گان مجلس که از طرف اعضای کمیسیون انتخابات به آنان وعده کامیابی در انتخابات آینده داده شده، نخواستند تا این طرح به تصویب برسد و شما گفتید که شماری از اعضای کمیسیون انتخابات در دهلیزهای مجلس لابی‌گری می‌کردند و این وعده‌ها را به شماری از نماینده‌گان داده‌اند، آیا واقعا چنین است؟

بلی، بازم من یک‌بار دیگر تأکید می‌کنم که کمیسیون‌های انتخاباتی رفت و آمدهای زیادی در روزهای اخیر

یادداشت: در جریان هفته‌های گذشته، طرح تعدیل قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی به مجلس آمد؛ اما به‌خاطر تکمیل نبودن نصاب، این طرح به تصویب نرسید.

محمدعبده رییس کمیسیون عدلی و قضایی مجلس نماینده‌گان با بیان این که کمیسیون آنان به گونه اختصاصی روی این تعدیلات کار کرده، گفت که شماری از اعضای کمیسیون‌های انتخاباتی به اعضای مجلس وعده کامیابی در انتخابات آینده داده و به همین نسبت اعضای مجلس مانع تصویب این قانون شدند.

به‌خاطر دریافت موارد اختلافی و تعدیل شده در این قانون، با محمد عبده رییس کمیسیون عدلی و قضایی مجلس نماینده‌گان گفت‌وگو کرده‌ایم که اینک می‌خوانید:

گفت‌وگو کننده: هارون مجیدی

با سپاس از جناب شما که برای انجام این گفت‌وگو وقت گذاشتید. در نخست اگر بگویم، چرا طرح تعدیلی بی‌که در پیوند به قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون انتخابات و شکایات انتخاباتی تنظیم شده بود و به مجلس عمومی نیز آمد، از طرف همکاران تان در مجلس تصویب نشد؟

در پیوند به آوردن تعدیلات در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی باید بگویم که با معرفی نامزد وزیران جدید معطل شد به بعد از شنیدن برنامه و نظریات نامزد وزیران جدید و هم‌چنان تکمیل پروسه دادن رأی اعتماد به این نامزدان؛ یعنی بعد از تکمیل این موارد بحث این قانون جدا شامل اجندای مجلس خواهد شد و مورد بحث قرار خواهد گرفت.

دقیقا تا چه زمان دیگر این طرح تعدیلی به تصویب خواهد رسید؟

ما روی این طرح کارهای کارشناسانه انجام داده‌ایم، بعد از آن که این طرح به داخل تالار و در جلسه عمومی ارائه گردید، صحبت‌هایی صورت گرفت و مجلس عمومی برای ما وظیفه سپرد تا جلسه مشترک دیگر با گزارش‌گران کمیسیون‌ها برگزار گردد که خوش‌بختانه ما این جلسه را برگزار کردیم. در این جلسه، شماری از گزارش‌گران کمیسیون‌ها آمدند و بحث‌های زیادی صورت گرفت؛ فقط یک مورد اختلافی باقی مانده؛ پیش از این سه مورد اختلافی وجود داشت. در این جلسه دو مورد آن حل شد و یک مورد باقی ماند.

روی موارد اختلافی گزینه‌های زیادی مطرح شد که ما این گزینه‌ها را در جلسه عمومی مطرح خواهیم کرد و زمانی که یکی از این گزینه‌ها پذیرفته شد، طرح تعدیلی قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی به تصویب خواهد رسید.

اگر این دو مورد حل شده و یک مورد اختلافی را برای خواننده‌گان ما شرح دهید، خوب خواهد شد.

مواردی که توافق صورت گرفت، یکی این بود: در صورتی که رییس، معاون و منشی کمیسیون از طرزالعمل‌ها، لوابح و پروسیجرهای کمیسیون انتخابات تخطی و یا خلاف‌ورزی کنند، از پست‌های خود عزل می‌شوند و به عنوان عضو عادی در کمیسیون باقی می‌مانند، بعداً رأی‌گیری می‌شود و هر کس دیگری که انتخاب شد به این پست‌ها می‌آیند؛ این مورد حل شد و همه این گزینه را پذیرفتند.

مورد اختلافی دیگری که حل شد، در قسمت رییس دبیرخانه و معاونین آن بود که قبلاً گفتیم، زمانی که از طرزالعمل‌ها و لوابح داخلی تخطی کنند، از وظیفه سبک‌دوش شود و یا نه؛ در این جلسه گفته شد، علاوه بر این که از وظیفه عزل می‌شوند؛ باید به ارگان‌های عدلی و قضایی معرفی شوند تا خلاف‌ورزی‌ها بررسی گردد.

اما موردی که تا هنوز اختلافی باقی مانده، در ارتباط به کمیته گزینش است که کمیشنران از آدرس همین کمیته به رییس جمهور معرفی می‌شوند.

در طرح تعدیلی ما این گونه آمده است: در صورتی که کمیته گزینش باقی بماند، کمیشنران را به ریاست جمهوری معرفی می‌کند و ریاست جمهوری با تفاهم و هم‌نظری و توافق با رییس اجرایی، از میان آنها ۹ نفر را به کمیسیون انتخابات معرفی می‌کند؛ اگر کمیته گزینش برداشته شود، توافق و تفاهم هر رهبر دولت روی

بخش چهارم

خشونت در نظرگاه انتقادی اسلاوی ژیتک



کیانوش دل زنده

در "فلم روانی ساخته آلفرد هیچکاک (۱۹۶۰)"، که ژیتک سه گانه فرویدی را در سه گانه بودن طبقات متل در فلم، پی می جوید؛ ساختار و کنش ذات سه گانه فرویدی انسان با کاراکتر «نورمن» یکی از شخصیت های فلم گره می خورد و او را به جنون و اعمال خشونت می کشاند. «در این متل، حوادث در سه سطح اتفاق می افتند: طبقه اول: همکف و زیرزمین. انگار که سازنده گان فلم سه سطح ذهنیت انسانی را بازسازی می کنند. همکف، من خویشتن (ego) است. نورمن قهرمان داستان، در این سطح مثل یک پسر طبیعی رفتار می کند، هر آن چه از من خویشتن طبیعی او باقی مانده، در این سطح دیده می شود. طبقه بالا ابرمن (super ego) مستقر شده، ابرمن مادرانه، چرا که مادر او مرده، اساساً شمایل «ابرمن» است. در زیر زمین نهاد (id) نهفته شده است؛ انبار امور نامشروع [...] در واقع وقتی نورمن مادرش را از طبقه بالا به پایین می برد، او را در ذهن خودش تغییر می دهد، او را از جایگاه ابرمن به نهاد تنزل می دهد.» (ژیتک، سینما به روایت ژیتک، ۱۳۸۹: ۲۳) در تشریح این وضعیت، ابرمن عامل اخلاقی نیست. عامل زشتی و زنده گی است که «با دستورات غیرقابل اجرایش ما را بمباران می کند و البته وقتی نمی خواهیم خواسته هایش را برآورده کنیم به ما می خندد. هر چه بیشتر از او اطاعت می کنیم، بیشتر ما را مجرم می داند. همیشه جنبه یی از یک انسان دیوانه و زشت و زنده در عامل ابرمن وجود دارد» (همان: ۱۳۸۹: ۲۴) با تبیین سوپر اگو به عنوان سخنگوی دیگری بزرگ ژیتک میان من و دیگری تمایز قایل می شود. این که «میل» به عنوان عنصر تعیین کننده و جهت دهنده فعال، درون سوژه، مبتنی بر حضور «دیگری» شکل می گیرد و به صورت مستقل حضور بیرونی ندارد. «میل ما همیشه میل دیگری است، به عبارت دیگر، هم از دیگری

نشأت می گیرد و هم به سمت آن هدایت می شود. نکته گنج کننده این است که ما هرگز نمی توانیم مطمئن باشیم که این دیگری از ما چه می خواهد و از ما انتظار می رود چه باشیم.» (ژیتک، ۱۳۸۶: ۱۴) ب: اما سوپراگو سویی بیرونی نیز دارد. به نحوی که سوپراگو روان کاوانه به عنوان امر درونی بازتاب جمعی حضور خود را به حضور «دیگری بزرگ» در بیرون از سوژه می دهد. «دیگری» که سیمای خود را در قالب قانون، نهادهای حکومتی به عنوان شکلی نمادین امر درونی می دهد، مستقر می گرداند. به نحوی که هر چقدر از قانون و نهادهای حکومتی تبعیت گردد، سوژه بیشتر تحت فشار قرار می گیرد تا آن را نقض کند، قانون خود به عنوان امر بازدارنده خشونت، خود، بنیان گذار خشونت و تخطی از خود می شود. سوژه برای بهنجار شدن باید نظم جامعه را بپذیرد. قانون همان جهان نمادین همان هنجارمندی موجود می باشد که سوژه با پذیرش آن به سوژه گی دست پیدا می کند و فرایند سوژه گی بدون حضور دیگری معنی ندارد. به نحوی که در روان کاوی لاکانی، «فرد برای وجود داشتن باید از سوی دیگری به رسمیت شناخته شود؛ اما چنین وضعی به این معناست که تصویر ما، که معادل خودمان است، متأثر از نگاه دیگری است. بنابراین، دیگری ضامن ما می شود.» (هومر: ۱۳۸۸: ۴۵) بدین ترتیب، خشونت سلطه حضور دیگری یکی از نواقص روند سوژه شدن است. سوژه خودش را در دل جهان نمادین و دل قوانین آن معنی می دهد و به همین اعتبار «از یک سو امر نمادین یا دیگری بزرگ مقدم بر ماست و از طرف دیگر، از طریق ما سخن می گوید.» (ژیتک، کژنگریستن: ۱۳۸۸: ۶۵)

ژیتک با سوئه کژنگری، پرده از ابعاد پنهان ذات آدمی، برمی دارد. ضمن آن که، این ابعاد پنهان درونی انسان می توانند

پای خود را فراتر از ذات آدمی بگذارند و در عرصه بیرونی در قالب دیگری بزرگ نمایان شوند و در اعمال خشونت لحاظ گردند. این که اگر استالین و هیتلر را در ابراز خشونت مقصر بدانیم چون «جنایتی که به نام استالین و هیتلر انجام شد، ربطی به طبیعت منحرف یا روان شناسی افراد نداشته است، بلکه حاصل منطق دیگری بزرگ است.» (همان: ۱۵) نقیضه بر این رویه کانتی «شیفته خشونت شدن دلالت بر سنگدلی بنیادین به تعبیر کانت دارد؛ قانون اخلاق برای تعدیل قدرت عواطف، خود با نوعی خشونت تحمیل می شود، خشونت چوبه دار که برپا می کند تا عاشق لذت را به کف نفس وا دارد.» (فرایا، ۱۳۹۰: ۲۲) انسان دو نیم شده عصر معاصر در ذات درونی انسان است، حتا اگر پایش را فراتر بگذارد. نواقص موجود چه در درون سوژه و چه در فرایند سوژه شدن و حضور او در بیرون از خود، زمینه را برای از خود بیگانه گی و جابه جایی میل فراهم آورد. به نحوی، اگر خشونت تحقق میل سوژه را فراهم نیاورد، تنها زمینه را برای خشونت پنهان و مضاعف دیگری فراهم می آورد. به واسطه همین نقصان، ژیتک به نواقص درونی و بیرونی اشاره می کند. در گزاره ژیتک در باب اطاعت از قانون خود گویا است. پنهان شده گی و عدم تعیین که خاصیت تجلی بودن خشونت می باشد، در واقع راز مضاعف بودن آن را تشدید می کند. «اطاعت از قانون نه تسلیم شدن به فشار خارجی، یا به اصطلاح زور عریان غیر عقیدتی است، بلکه اطاعت از امر است از آن حیث که مافوق درک و فهم است، از آن حیث که دارای خصلت غیر عقلانی است: این خصلت ترومایی و هضم نشدنی قانون نه تنها آمریت کامل آن را مخفی نمی کند، بلکه شرط برداشتگر آن است.» (ژیتک، عینیت ایدیولوژی، ۱۳۹۰: ۸۶)

بخش دوم و پایانی

کنترل جمع در جلسات مذاکره

آدم های بی هدف در اغلب نشست ها و مذاکرات حضور دارند، آن ها حاشیه می روند و حضار را خسته می کنند. این افراد معمولاً فقط طالب توجه هستند و هدف دیگری جز سخن گفتن ندارند. به آن ها اجازه ندهید وقتی را که هر ثانیه آن در مذاکرات حیاتی است هدر بدهند. لازم است کنترل اوضاع را به دست بگیرید، فراموش نکنید که اگر از این افراد چشم پوشی کنید یا سعی کنید به آن ها اجازه دهید نیازهای شان به توجه را در حین مذاکره برآورده کنند، به سایر افراد حاضر در جمع بی احترامی کرده و حقوق آن ها ا ضایع کرده اید. در برخورد با این افراد:

- بر اصل موضوع مذاکره و دریافت خود از آن دایماً تأکید کنید.
- فوریت دسترسی به افراد و محدودیت های زمانی را متذکر شوید.
- از یکی از حضار سوالی بپرسید تا سخن وری فرد بی هدف متوقف شود.
- پیش از شروع جلسه از افراد درخواست کنید هرگز از موضوع جلسه خارج نشوند.

برخورد با حاشیه پردازها

در حالی که شما درگیر پیش بردن جلسه طبق صورت جلسه هستید، همیشه افرادی وجود دارند که مشغول صحبت های حاشیه یی هستند، این کار آن ها مشکلات فراوانی ایجاد می کند. یکی از این مشکلات این است که در جریان بحث و جدل های بیهوده آن ها، شما توجه سایر افراد را نیز از دست می دهید. فراموش نکنید که بحث های حاشیه یی اغلب مسری هستند و فوراً میان تمام افراد پخش می شوند. به عنوان کنترل کننده جلسات و مذاکرات هرگز درگیر آن ها نشوید و سعی کنید بحث های دیگران را نیز در نطفه خفه کنید و کنترل جلسه را به دست بگیرید. در مواقع بروز حاشیه از توصیه های زیر کمک بگیرید:

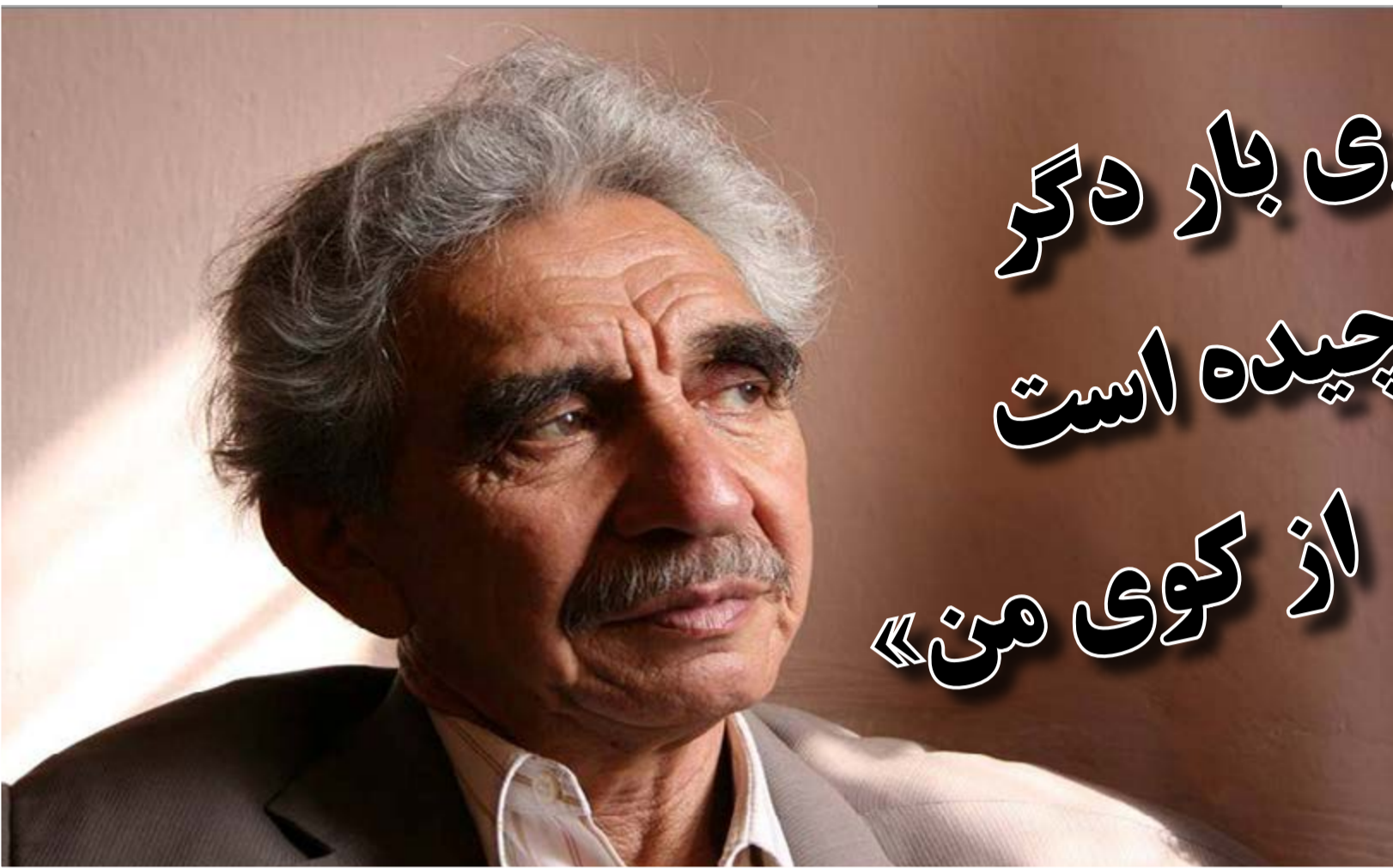
- سکوت کنید و مستقیماً به جمع نگاه کنید.
- از حاشیه پردازان بخواهید بحث خود را با صدای بلند مطرح کنند و ضمناً توضیح دهند ارتباط آن با صورت جلسه چیست.
- به فرد حاشیه پرداز بگویید مایلید نظر او را راجع به موضوعی مشخص بدانید.

برخورد با مشاجره طلبها

برخی از افراد نیاز دارند در مورد هر موضوعی که مطرح می شود، بحث و ترجیحاً مخالفت کنند. برای این افراد فرقی نمی کند موضوع چیست و آیا آن ها در آن بحث صاحب نظر یا دارای اهمیت یا طرف مشورت هستند یا خیر. این افراد همواره به دنبال فردی هستند تا او را در جریان مذاکره به عنوان خصم خودشان در نظر بگیرند و در ادامه کار با او مخالفت کنند. آن ها در هر موضوعی دست بالا می برند و مخالفتی می کنند، مراقب این افراد باشید و از این راهکارها استفاده کنید:

- فرد را خطاب قرار دهید و از او علت مخالفت و راه حل جایگزینش را بپرسید، برای جلوگیری از اتلاف وقت، از او بخواهید با اختصار توضیح دهد.
- اگر مشاجره کننده گان چند نفر هستند، از آن ها بخواهید سکوت کنند و سپس با کلمات خودتان مواضع آن ها را در مقابل هم تشریح کنید.
- صورت جلسه مورد توافق را دایماً تکرار کنید.
- برای برقراری فضای مثبت، نقاطی را که هیچ فردی در جمع با آن ها مخالف نیست، دایماً تکرار کنید و افراد را متوجه این نکات کنید.
- به افراد حاضر در جلسه، اهداف و منافع مشترکشان را یادآوری کنید.
- از درگیر شدن به عنوان یکی از طرفین مشاجره احتراز کنید. حتا اگر با یکی از طرفین هم عقیده هستید، به عنوان کنترل کننده جلسه سعی در حفظ تعادل داشته باشید.





«مولوی بار دگر

کوچیده است

از کوی من»

روح الله بهزاد

صبحی نتوانسته به عبادت خدا به شیوهی که خود داشته بپردازد و بعد از آن رنج‌های عظیمی دیده است.

آقای ایرج تأکید می‌کند که برایش بُعد عرفانی محمدعمر فرزند اهمیت بیشتر داشته است.

محمد عمر فرزند فرزند پادشاه، دانشمند، مورخ، نویسنده، پژوهش‌گر، ادبیات‌شناس و شاعر افغانستان در سال ۱۳۲۲ هجری خورشیدی در گذر ته توت شهر مزارشریف زاده شد.

او آموزش‌های خود را در رشته‌های دانش اسلامی، ادبیات فارسی و زبان عربی به فرجام رسانید و از سال ۱۳۴۵ به کار رسمی در اداره اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ پرداخت.

فرزاد در گذشته سمت‌های مختلف اجرایی در حوزه فرهنگ داشت و پیش از درگذشت هم در بخش‌های مختلف اداره فرهنگ ولایات بلخ مشغول فعالیت بود.

او با نام‌های مستعار «خیرانی» و «شادیانی» نیز در مطبوعات افغانستان مطالب فراوانی نوشته است. استاد فرزند بالای چندین نسل از فرهنگیان بلخ و افغانستان حق استادی داشت.

از فرزاد، داستان‌های کوتاه، پارچه‌های ادبی و سروده‌هایی زیادی به جا مانده است که برخی از آثار او تا کنون منتشر نشده است.

محمد عمر فرزند صبح روز سه‌شنبه ۱۸ حمل ۱۳۹۴ در حالی که می‌خواست از منزل به طرف دفتر کار خود برود، در چهارراهی بیهقی شهر مزارشریف با موتر تصادف کرد و مدتی بعد در بیمارستان چشم از جهان فرو بست.

پیکر استاد در زادگاهش در منطقه شیخ شادمان ولایت بلخ به خاک سپرده شد.

این گزارش را با مرثیه‌یی از استاد صالح محمد خلیق رییس اطلاعات و فرهنگ بلخ به پایان می‌بریم:

مولوی بار دگر کوچیده...

کو؟ کجا شد آن عزیز رفته هم‌سوی من
آشنای لحظه‌های عمر و خوی و بوی من
با که خواهم رفت تهران و دوشنبه بعد از این
می‌نشیند در همایش‌ها که در پهلوی من؟
شهر من باری دگر ویرانه ویرانه شد
مولوی بار دگر کوچیده است از کوی من
شعر تر می‌گویم اکنون هم، ولی با اشک و خون

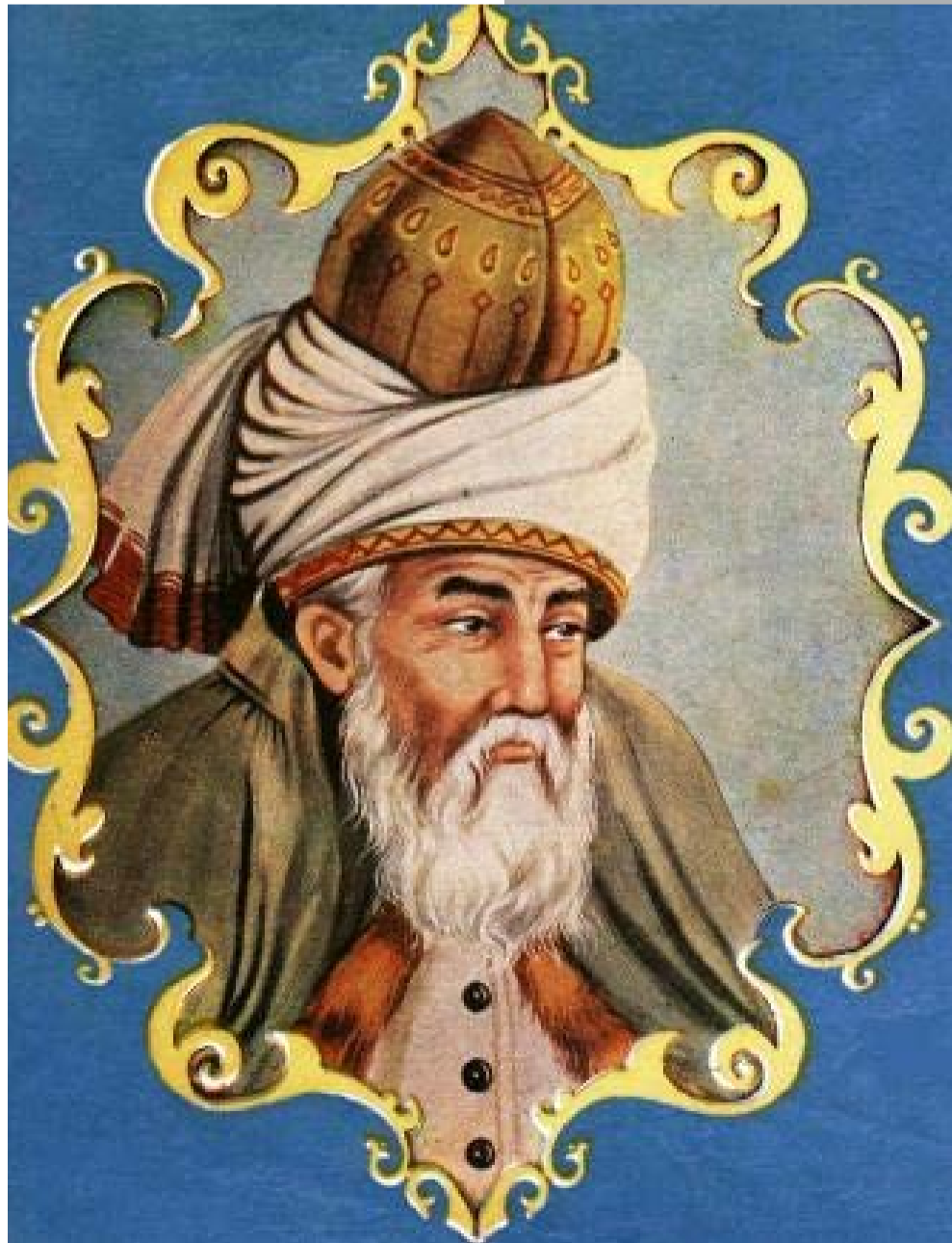
های‌های گریه گردیده‌ست آن هوهوی من
تازه‌هایم را بخوانم پیش کی و در کجا؟
دفتر فرزاد، دیگر بسته شد بر روی من

کلاسیک آشنا کند بی‌این‌که مستقیم نصیحت‌شان کرده باشد. یا از شاعران ایران و دوستان تاجیکش صحبت می‌کرد، از کوچه‌های سمرقند و حافظیه شیراز، و برای ما حافظیه دل او بود.

هم‌چنان، شهباز ایرج شاعر و ژورنالیست که سال‌های زیادی در بلخ به سر برده و از نزدیک با استاد فرزند آشنایی داشته، با بیان این‌که استاد فرزند پدر معنوی بسیاری از نویسندگان و شاعران بلخ بود، به روزنامه ماندگار می‌گوید: فرزند اهل راز بود، از همان‌هایی که سینه‌شان محل اسرار است. خیلی سعی کردم به من بیاموزند آنچه را یاد گرفته‌اند. اما اصرار می‌کردند که هوس چنان راهی را نکنم و می‌گفتند که در راه سفر به کابل

فرزاد تمثیلی زنده از اساطیر بی‌شمار بلخ و رندان تاریخ ادب فارسی بود. عمر ما جوانی‌اش را ندیده بود، اما کسانی مثل استاد واصف باختری که از جوانی او را می‌شناختند، می‌دانستند که در طی همه این سال‌ها، دفتر مطبوعه دولتی از اول صبح، قرارگاه دل بی‌قرار همه جست‌وجوگران فضیلت بود؛ هر کسی از هر قوم و طایفه و آیینی پناه روزهای دلتنگی‌شان و جان‌مایه آثار و افکار و نوشته‌های‌شان سایه سنگین این مرد بود.

آقای محمدی در ادامه یادداشتش می‌افزاید: استاد فرزند ستون معرفت مزار و نشان نجابت بلخ بود. وقتی می‌نشست و خمسه را از حفظ می‌خواند، به این علت که شاعران جوان را با فن و فوت ادب



هفته گذشته، افغانستان یکی از برانزده‌ترین دانشمندان خود را از دست داد.

محمدعمر فرزند که استاد چندین نسل نوشتن و اندیشیدن در افغانستان بود، بر اثر حادثه ترافیکی در شهر مزارشریف درگذشت.

شاگردان او که امروزه از نام‌دارترین‌های افغانستان اند، جایگاه استاد محمدعمر فرزند را در بخش‌های گوناگون فرهنگی و ادبی، ویژه می‌دانند.

استاد محمد عمر فرزند شاعر، نویسنده، پژوهش‌گر، باستان‌شناس، بیدل‌شناس و مولانا‌شناس بزرگی بود که سال‌های درازی در این بخش‌ها کار کرد.

داکتر سمیع حامد، شاعر و نویسنده به‌نام کشور و از شاگردان و دوستان نزدیک مرحوم فرزند در پیوند به جایگاه او می‌گوید: برانزده‌ترین کار استاد فرزند، پرورش استعداد‌های ادبی بود. مقدمات ادبیات کلاسیک و نیمایی را از او می‌آموختند، مخاطبی بود سرشار از شور و شعور. در این تردیدی نیست که شماری از بهترین شاعران افغانستان، شیفته شعرهای استاد فرزند اند؛ اینان مستقیم یا غیرمستقیم شاگردان او هستند.

آقای حامد هم‌چنان می‌گوید: استاد فرزند دیدی باز در زمینه ادبیات داشت. به گونه نمونه: اگر کسی شعر سپید می‌نوشت، برایش کتاب‌های شاملو و برگردان‌های شعر جهان را می‌داد. با شاعران جوان در زمستان‌ها متن‌های کلاسیک را می‌خواند. مثنوی و خمسه و غزل‌های حافظ را به‌تمام از بر داشت و از دیگر متن‌های باستانی بخش‌هایی را از یاد می‌خواند.

صالح محمد خلیق، رییس اطلاعات و فرهنگ ولایت بلخ در پیوند به چاپ آثار نشر نشده محمد عمر فرزند به روزنامه ماندگار می‌گوید: قرار است آثار استاد را جمع‌آوری و برای نشر آماده سازیم. رییس اطلاعات و فرهنگ بلخ خاطر نشان می‌کند: استاد برخی از آثار خود را چاپ هم کرده است. برخی از نوشته‌هایش به نام‌های مستعار چاپ شده‌اند و اما این آثار به گونه مستقل اقبال چاپ نیافته‌اند و خود استاد در پی این کار نبود و دلیل آن عادت گوشه‌گیری او و دوری جستن او از شهرت بود.

آقای خلیق که تا حال چندین مجموعه شعری و کتاب‌های پژوهشی از خود را نشر کرده، تصریح می‌کند: من تمام داشته‌هایم را مدیون راهنمایی‌ها و تشویق‌های روان‌شاد فرزند می‌دانم.

رضا محمدی شاعر و پژوهش‌گر در ارتباط به درگذشت استاد محمد عمر فرزند در صفحه فیس‌بوکش چنین نوشته است: «استاد محمد عمر

اولیگارش‌ی در زورق «دولت وحدت ملی»

علی پارسا

در این‌که حالا دولت وحدت ملی در سرایشی قرار دارد، شاید کمتر کسی تردید داشته باشد. حالا که کار به این‌جا رسیده، بد نیست یک بار دیگر با مروری کلی بر کارنامه این دولت، ریشه‌های این وضعیت را بررسی کنیم. این دولت که برآمده از دل یک توافق‌نامه سیاسی پس از یک بن‌بست سنگین انتخاباتی بود، در اوایل کار با آبی که از اعتبار عنوان فرهیخته «دولت وحدت ملی» می‌خورد، خوش‌بینی‌های بسیاری را خلق کرده بود. اما رفته‌رفته با عدول از مفاد آن توافق‌نامه و پا گرفتن حرکت‌های اقتدارطلبانه متکی بر عنصر قومیت، برای آن‌چه قرار بود «دولت وحدت ملی» باشد، جامه‌اش کوچکی کرد و منتج به روی کار آمدن حکومتی پُر از کشمکش و تنش با چاشنی افزون‌طلبی‌های قوم‌گرایانه شد.

تکیه زدن اشرف‌غنی احمدزی بر کرسی ریاست‌جمهوری با تأیید و توافق داکتر عبدالله و همچنین قرار گرفتن داکتر عبدالله در سمت تازه‌تعریف‌شده ریاست اجرایی با تأیید و توافق آقای غنی، سبب شد که نظام جدید، عنوان دولت وحدت ملی بر خود بگیرد و قرار شد آن‌ها ضمن اداره اشتراکی امور مملکت، برنامه‌های اصلاحی برای عبور از بحران‌های تاریخی پی بگیرند. اما از آن‌جا که این توافقات صرفاً برای عبور از بن‌بست انتخابات ریاست‌جمهوری بر هر دو نامزد تحمیل شده بود و هر دو ذهن از فلسفه و کارویژه‌های «دولت وحدت ملی» به دور بودند، به‌زودی

نباید در آتش...

به خواست‌های خود دست یابد. تجربه‌ی بی‌کسری که کوربایی شمالی پس از جنگ دو بلاک، ایران پس از انقلاب به‌خاطر دست یافتن به سلاح هسته‌یی و قسماً پاکستان پس از آزمایش سلاح هسته‌یی در سال ۱۹۹۷ به منصفه اجرا گذاشتند. بعضی کشورها منافع خود را در گرو بی‌طرفی کامل دانستند، مانند: جمهوری ترکیه که در جنگ جهانی دوم به دلیل آسیب‌های جدی‌یی که در جنگ جهانی اول خلافت عثمانی متحمل شده بود، نخواست این تجربه را دوباره تکرار کند. نوع سوم عدم تعهد و یا Disconnection می‌باشد که بعضی کشورها به خاطر نگرانی‌های ایدئولوژیک، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی خود، سیاستی را دنبال نمودند که هیچ‌گونه وابستگی به یکی از قدرت‌ها را به میان نیاورد. نمونه آن را در جنبش عدم انسلاک پس از قطب‌بندی‌های جهان به بلوک شرق و غرب می‌توان مشاهده کرد. نوع اخیر این سیاست‌گذاری‌ها تشکیل ائتلاف‌ها می‌باشد. این نوع دیپلماسی نسبت به دیگر گونه‌های سیاست خارجی، کارایی بیشتر داشته و تاریخ آن به یونان باستان برمی‌گردد و در درازنای تاریخ به گونه‌های متفاوت ایجاد شده، و حتا پایداری صلح پس از جنگ‌های مذهبی اروپا، ریشه در اتحاد و توازن قوا در این قاره دارد.

خاورمیانه و اتحاد‌های ناپایدار

در کنار موقعیت جغرافیایی مهم و استراتژیک، خاورمیانه دارای اختلافات اتنیکی، فرهنگی، مذهبی و دینی نیز می‌باشد که نطفه‌های ناامنی و بی‌ثباتی را در خود می‌پروراند. پس از شکل‌گیری خاورمیانه، کشورهای نیرومند این منطقه به ثبات و امنیت اهمیت قایل شده و پیوسته تلاش کرده‌اند همانند اروپای قرن هفدهم، امنیت و ثبات را در این منطقه در حفظ توازن قوا جست‌وجو کنند و افسار کشورهای نیرومند و سرکش را با اتحادها به‌دست گیرند. به همین ملحوظ، اتحادها در این منطقه سیال و متغیر بوده است. داوود اغلو (نخست وزیر کنونی ترکیه) نویسنده کتاب «عمق استراتژیکی»، ثبات خاورمیانه را مرهون توازن «نیرومندی» کشورهای ایران، مصر و ترکیه می‌داند که این مثلث در مقاطع مختلف به خاطر مهار کردن نیروی تهاجمی یکدیگر، به اتحادهای مقطعی و ناپایدار دست یازیده‌اند. در

قراهای‌شان رنگ باخت و «وحدت ملی» صفتی بی‌مسما بر حکومت‌داری آن‌ها شد. به این ترتیب، جدا از اسم و رسم قراردادی‌یی که بر این فرزند ناخلف انتخابات پرتقلب گذاشته شد، «دولت وحدت ملی» رویایی‌ست که در این سرزمین هرگز تن به ظهور نداده و تا کنون هم جز یک سوءبرداشت از آن ارایه نشده است. دولت وحدت ملی بدون شک مقدمات و پیش‌شرط‌هایی دارد که بدون تحقق آن‌ها، سخن گفتن از چنین دولتی خواب است و جنون است و خیال است و محال! از عمده‌ترین این پیش‌شرط‌ها، تغییر نظام سیاسی کشور به یک نظام پارلمانی است. سخن گفتن از دولت وحدت ملی در یک نظام ریاستی مانند نظام کنونی و عنوان دولت وحدت ملی بر این دولت دادن، همان‌قدر مضحک است که گندرد شهر کابل را «دریای کابل» نامیدن! در نتیجه تا از لویه‌جرگه اضطراری برای تعدیل قانون اساسی و تغییر نظام خبری نباشد، سخن گفتن از دولت وحدت ملی هم بیهوده است. تنها لویه‌جرگه اضطراری است که می‌تواند با بازتعریف نظام سیاسی کشور و تغییر نظام ریاستی متمرکز کنونی به نظام پارلمانی، راهی به رهایی بگشاید. به علاوه با گام نهادن به سمت نظام پارلمانی، جایگاه اقلیت‌های قومی در کشور هم تعریف می‌شود و به این ترتیب، مشارکت همه اقوام و گروه‌ها به نحوی در ساختار نظام تضمین می‌گردد. فلسفه وجودی دولت وحدت ملی هم در واقع همین مسأله توزیع قدرت میان همه اقلیت‌های موجود و تضمین

دهه پنجاه پس از بحران کنال سوئز و دیپلماسی فعال جمال عبدالناصر رییس‌جمهور مصر، اتحاد میان ایران و ترکیه به وجود آمد؛ اما این اتحاد پس از انقلاب اسلامی ایران از هم پاشید و اتحاد جدیدی میان ترکیه و مصر به‌خاطر محار کردن قدرت ایران در خاورمیانه شکل گرفت. همین‌طور با شکل‌گیری پکت بغداد (۱۹۵۵-۱۹۵۹) ایران، ترکیه و عراق در مقابل کشورهای عربستان سعودی، مصر و سوریه با هم نزدیک شدند و یک ائتلاف تشکیل دادند. با حمله عراق به کویت نیز اتحادهایی شکل گرفت. ترکیه جانب کشورهای سعودی، مصر و سوریه را گرفت و ایران و اردن به نحوی از عراق حمایت کردند.

این ائتلاف‌ها به خاطر منافع کشورها و موقعیت‌های تاریخی و اهمیت منافع‌شان همیشه در حال تغییر بوده است.

کش و قوس‌های سعودی و ایران در خاورمیانه پیش از انقلاب اسلامی در ایران، روابط ایران و سعودی به‌خاطر استراتژی نیکسون رییس‌جمهور آمریکا در خاورمیانه دوستانه بود؛ چون نیکسون در راستای تأمین صلح خاورمیانه باورمند به همکاری‌های متفقین آمریکا در این منطقه بود. بنابراین سعودی‌ها و محمدرضاشاه که از متحدین آمریکا بودند، ملزم شدند به‌خاطر نگهداری ثبات در این منطقه با هم همکاری داشته باشند. به همین ملحوظ، واشنگتن به هر دو کشور سلاح می‌فروخت و تلاش می‌کرد به گونه‌یی توازن را میان هر دو کشور خاورمیانه حفظ کند.

با انقلاب اسلامی در ایران و رقابت‌های رهبری جهان اسلام میان ایران و سعودی، کشور ایران سعی کرد تا انقلاب را به سعودی بفرستد و رژیم آل سعود را در این کشور سقوط دهد که این داعیه آل سعود را به وحشت افکند. به قول جوسیکا محقق خاورمیانه، آل سعود به این اندیشه افتاد که با قیام شیعه‌های عربستان، چاه‌های نفت از دست آن‌ها بیرون خواهد شد. بنابراین سعودی در جنگ هشت‌ساله ایران و عراق، جانب عراق را گرفت و در سال ۱۹۸۸ درب روابط دیپلماتیک میان سعودی و ایران بسته شد و برای حجاج ایرانی در سعودی مشکل‌تراشی‌ها شروع شد.

روابط این دو کشور در جریان حکومت رفسنجانی و خاتمی کمی بهبود یافت، اما پس از سال ۲۰۰۱ تهران

جایگاه همه آن‌ها در ساختار دولت است. از سوی دیگر، وقتی سخن از «دولت وحدت ملی» می‌رود، بی‌درنگ ذهن آدمی به سوی مفهومی فراتر و گسترده‌تر از آن‌چه امروز «حکومت وحدت ملی» خوانده می‌شود، کشانده می‌شود. تأکید بر مقوله «دولت وحدت ملی» به معنای حضور و مشارکت فعال همه اقلیت‌ها در تمام نهادهای دولتی به شمول نهاد اجرایی، نهاد تقنینی و نهاد قضایی است. در حالی که در حکومت کنونی حتا اگر سران نظام بر مقوله وحدت ملی تأکید هم می‌کنند، منظور آن‌ها تقسیم قدرت میان اقوام مختلف صرفاً در رکن اجرایی دولت است؛ بی‌آن‌که بر اصل «وحدت ملی» در دو رکن دیگر و به‌خصوص رکن قضایی که زیر بلیط رییس‌جمهور قرار دارد، توجهی شود.

با این اوصاف دیده می‌شود که اولاً دولتی تحت عنوان «دولت وحدت ملی» تا کنون - نه در این هفت ماه و نه در دو و نیم قرن گذشته! - شکل نگرفته است. ثانیاً دولت کنونی هم که عنوان «دولت/حکومت وحدت ملی» را به خود تخصیص داده، نه تنها در راه «وحدت ملی» گام نگذاشته که حتا در آن‌سوی دیگر این جریان به‌سرعت و شدت در حرکت است!

واقعیت این است که در نظام کنونی و به‌خصوص در حلقه رییس‌جمهور و اطرافیان‌ش، حتا «حکومت وحدت تیمی» هم به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ چه رسد به دولت وحدت ملی. من‌باب تأیید این مدعا همان بس که معاون اول رییس‌جمهور غنی، همان بانک رایبی که تا دیروز رستم دستان رقابت‌های

نسبت به دیگر کشورهای خاورمیانه، در این منطقه از نفوذ چشم‌گیری برخوردار شد. ایرانی‌ها توانستند با حکومت عراق، برخی از گروه‌های یمنی، حزب‌الله لبنان، حکومت سوریه، حماس در فلسطین، برخی از احزاب پاکستان و... به تحکیم روابط بپردازند. گسترش نفوذ ایران در کشورهای منطقه برای بسیاری از کشورها به‌ویژه عربستان سعودی، ترکیه، قطر و پاکستان غیرقابل تحمل بود. بنابراین، این کشورها به‌خاطر جلوگیری از نفوذ ایران، به پرورش گروه‌های افراطی پرداختند و اتحادهایی را علیه ایران به‌وجود آوردند.

افغانستان نباید رزمگاه سعودی و ایران شود

با توجه به همه کش‌وقوس‌ها میان سعودی و ایران، ایجاب می‌کند که افغانستان منافع ملی خویش را در نظر گرفته و از داخل شدن در این درگیری‌ها بپرهیزد و پای جنگ‌های مذهبی و فرقه‌یی را به افغانستان نکشاند؛ زیرا از هر رهگذری که به این تصمیم کابل نگرسته شود، نفعی در آن به چشم نمی‌خورد.

اگر آقای رییس‌جمهور غنی از آدرس کابل فرض را بر رویکرد ذهنیت‌باور گرفته باشد و تأمین منافع کشور را در متغیرهای ذهنی خود که همانا کشاندن پاکستان و طالبان به میز مذاکره از سوی سعودی که متحد اصلی این کشور است، دانسته باشد، تیر به خطا زده و ره ترکستان در پیش گرفته است. زیرا پاکستانی‌ها در افغانستان از منظر نظامی «عمق استراتژیکی» دارند و این کشور را عقب جبهه و تأمین‌کننده منابع بشری‌شان در جنگ با هند می‌دانند و از منظر اقتصادی نیز افغانستان برای این کشور دهلیزی محسوب می‌شود که به آسیای میانه منتهی می‌گردد. از جانب دیگر، آب‌های فراوان این کشور به پاکستان سرازیر می‌شود که این کشور علاقه‌مند مدیریت آب‌ها از سوی حکومت افغانستان نیست. بدین جهت، پاکستانی‌ها به کمتر از این‌ها قانع نخواهند شد و از تمویل و تجهیز نیروهای دهشت‌افکن در افغانستان دست نخواهند برداشت.

از جانب دیگر، نقش ایران را در منطقه نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین، ایجاب می‌کند تا دولت کابل از خیال‌پردازی‌های خام خود دست بردارد و جنگ‌های نیابتی کشورهای منطقه را از خاورمیانه و پاکستان به افغانستان انتقال ندهد.

انتخاباتی اشرف‌غنی بود، امروز لب به اعتراض گشوده و از بی‌مروتی آقای غنی گله می‌کند. چه بسا طیف‌ها و جریان‌های دیگری که تا دیروز یار غار جناب رییس‌جمهور بوده‌اند و امروز بر طبل دشمنی با او می‌کوبند. فراتر از این اختلافات درونی، واضح است که چنین تیمی با چنین میل مفروطی به معشوق قدرت، علی‌رغم عهد بستن به توافق‌نامه دولت وحدت ملی، نه سخاوتمندی به دادن حق تیم دیگر دارد و نه هم تمایلی! با این حساب دولت/حکومت وحدت ملی بیش از آن‌که دغدغه عمل دولت‌مردان ما باشد، لقلعه زبان آن‌هاست.

با وجود همه این واقعیت‌ها باید گفت که متأسفانه ما در شرایط کنونی جز نامی از دولت وحدت ملی چیزی افزون نداریم. این عنوان پُرزرق و برق هیچ دخلی با آن دولت نجات‌بخش وحدت ملی که بدون شک یکی از معدود راه‌های رهایی افغانستان است، ندارد. با این وصف، متأسفانه به‌کارگیری این عنوان برای حکومت ناکام کنونی، اگر یک نتیجه و پیامد عینی داشته باشد، آن چیزی جز بدنامی و به استهزاء گرفته شدن یک راه‌حل نجات‌بخش نخواهد بود. ناکامی این حکومت سبب می‌شود که مردم ما پس از این با دیده شک به تیوری کارآموده و موفق «دولت وحدت ملی» بنگرند و نگاه آن‌ها به این مقوله لگدمال شده در میدان زیاده‌طلبی‌ها و اقتدارگرایی‌های فردی و تیمی نیز مانند بسیاری از ارزش‌های قربانی‌شده در این سرزمین، سیاه شود.

نگرانی شدید اعضای مجلس...

شدیدی را در پارلمان برانگیخته است. برخی از نمایندگان پیشنهاد کردند که در اعتراض به نابسامانی‌ها و اختلاف نظرها بین اشرف غنی و عبدالله، دروازه پارلمان مسدود شود.

اما رییس مجلس گفت که یک روز مشخصی برای بررسی علل و عوامل ناامنی‌ها اختصاص داده می‌شود: «تعدادی از نمایندگان مردم در ولسی جرگه پیشنهاد می‌کنند که دروازه شورا بسته شود و تعدادی دیگر می‌گویند که باید یک تصمیم جدی گرفته شود که دولت متوجه مسوولیت‌هایش ساخته شود.»

برخی از نمایندگان هشدار دادند که با ادامه این وضعیت «دولت در وضعیت فروپاشی» قرار می‌گیرد زیرا در عمل حکومتی وجود ندارد. این نمایندگان گفتند، قیمت این نابسامانی‌ها را مردم می‌پردازند و پارلمان باید چاره درستی برای حل این معضل بیابد.

امضای توافق‌نامه ترانزیتی...

خان جان الکوزی معاون اتاق‌های تجارت افغانستان خاطرنشان کرد: این توافق‌نامه نباید از سوی افغانستان به امضا برسد، زیرا در آن تنها منافع پاکستان دیده شده است. وی اذعان داشت: تاکنون پاکستان هیچ توجهی به مشکلات ترانزیتی بازرگانان و تجار افغانی در بندرهای «واگه» و «کراچی» نداشته و برای رفع آن اقدامی نمی‌کند.

قاتلان نیروهای امنیتی...

امنیتی بلخ به طور جدی دستور داد که در ساحات مسوولیت‌شان تدابیر امنیتی را بیشتر از پیش گسترش دهند و با تمام قوت در مقابل تروریستان بایستند و اجازه ندهند که دشمنان افغانستان به مردم ملکی و قوای امنیتی ما زیان برسانند.

رییس‌جمهور خاطر نشان کرد که منحنی سرقوماندان اعلی قوای مسلح افغانستان، مسوولیت و مکلفیت دارد که منسوبان قوای مسلح و مردم عام را حفاظت نماید، از این رو آنانیکه باعث کشته شدن مردم و منسوبان قوای مسلح ما می‌شوند هیچگاهی بخشیده نخواهند شد بلکه در روشنایی قوانین نافذ کشور با آنان برخورد صورت خواهد گرفت.



مارادونا هم به صف منتقدان فان خال پیوست



دیه‌گو مارادونا به انتقاد از لوئیس فان خال - سرمربی تیم فوتبال منچستر یونایتد - به دلیل بازی ندادن به رادامل فالکائو پرداخت. پس از آنکه هریستو استویچکوف به انتقاد شدید از فان خال به دلیل ترک بارسلونا پرداخته بود و فرانک ریبیری که این مربی را مربی بدی دانسته بود،

این بار دیه‌گو مارادونا با انتقاد از لوئیس فان خال، او را شیطان نامید. فالکائو مهاجم کلمبیایی منچستر یونایتد از ابتدای فصل تاکنون در ۱۲ بازی از ابتدا به میدان رفته است. او تابستان گذشته به صورت قرضی از موناکو به شیاطین سرخ پیوست ولی در این تیم نمایش ضعیفی از خود نشان داد، هر چند مارادونا معتقد است فان خال مسئول بازی ضعیف فالکائو است.

او با تمجید از تیم ملی کلمبیا گفت: کلمبیا در جام جهانی عالی بود و من فکر می‌کنم در نهایت حریفان خطر کلمبیا را احساس کردند. وقتی رودریگز یا کوادرادو صاحب توپ می‌شدند این خطر به راحتی قابل احساس بود. آنها نمایش بسیار خوبی در این جام داشتند و شایستگی بالایی از خود نشان دادند. مارادونا ادامه داد: اگر فالکائو در جام جهانی حضور داشت، شاید کلمبیا می‌توانست اولین قهرمانی خود را در جام جهانی بدست آورد. فالکائو به دلیل مصدومیت غایب بود. انتقال از فرانسه به انگلیس مشکل است و او نیاز داشت تا خود را با فوتبال جزیره هماهنگ کند.

مارادونا همچنین به تمجید از رودریگز ستاره جوان رئال مادرید پرداخت و افزود: رودریگز بازیکن با استعدادی است. او قادر به انجام کارهایی فوق‌العاده است؛ درست مثل بقیه چمپاها.

گوآردیولا:

گرفتار بحران مصدومیت شده‌ایم



هستم. قبلاً گفته‌ام این بازی را می‌بریم و من فکرم را تغییر ندادم. او در پایان گفت: می‌دانم که برای گوتسه سخت بود که مقابل دورتموند از ابتدا بازی نکرد. او انسان فوق‌العاده‌ای است. فوتبال زندگی اوست. او یکی از بهترین بازیکنانی است که با من کار کرده و ناراحت بودم که نمی‌تواند بازی کند اما این تصمیم من بود. بواتنگ هم برای ما بسیار مهم است. فکر می‌کنم او در حال حاضر یکی از سه مدافع برتر جهان باشد.

سرمربی بایرن مونیخ می‌گوید تیمش دچار بحران مصدومیت شده که نگران کننده است.

بایرن مونیخ در دیدار مرحله یک چهارم نهایی جام حذفی آلمان مهدی بن عطیه را نیز از دست داد تا تعداد مصدومان این تیم افزایش یابد. بایرن که این هفته باید در لیگ قهرمانان اروپا نیز بازی کند با مشکل بازیکن روبه‌رو شده است و گوآردیولا نیز این مشکل را بحران جدیدی برای تیمش توصیف کرد.

این مربی اسپانیایی درباره وضعیت تیمش گفت: متأسفانه مصدومان زیادی داریم که باعث شده است تیم در شرایط بحرانی قرار گیرد. فرانک برای حدود ۵ هفته در تمرین‌ها حضور نداشته است. او شاید بتواند مقابل پورتو برای دقیقه‌هایی به میدان برود. از طرفی نمی‌دانم که شوآین اشتایگر می‌تواند برابر پورتو به میدان برود یا خیر. درست است که شرایط ما بسیار سخت و بحرانی است اما قلب‌های بزرگی داریم و سرشار از روحیه هستیم تا بتوانیم حریف خود را غافلگیر کنیم. سرمربی بایرن مونیخ ادامه داد: بازیکنانی داریم و باید به صورت چرخشی از آنها استفاده کنیم. تا آخر به مبارزه ادامه خواهیم داد. بن عطیه بین ۲ تا ۴ هفته غایب خواهد بود. وضعیت ما بسیار حیاتی است. امیدوارم هواداران در آلیانس‌آرنا به تیم کمک کنند. ما به پشتیبانی نیاز داریم.

گوآردیولا درباره رویارویی با پورتو گفت: هنوز جوان هستم اما می‌دانم در صورت عدم راهیابی به مرحله بعد ممکن است چه اتفاقی بیفتد. من مربی باشگاه واقعا بزرگی هستم و می‌دانم در صورت نرفتن به نیمه‌نهایی مشکلاتی ایجاد خواهد شد. این بخشی از کار است و من برای آن آماده‌ام. خیلی خوش‌بین

انتقاد شدید ونگر از آغاز زود هنگام فصل آینده لیگ برتر



سرمربی آرسنال از این که باشگاه‌ها رای به آغاز زودتر از موعد فصل آینده داده‌اند، انتقاد کرد.

تورهای تابستانی باشگاه‌های مختلف در سال‌های اخیر به کابوس برخی از مربیان بدل شده است. آرسن ونگر یکی از مربیانی است که در سال‌های اخیر همواره به برنامه‌ریزی‌هایی که در این زمینه وجود دارد، اعتراض کرده است.

فصل ۱۶-۲۰۱۵ لیگ برتر انگلیس از هشتم اگست آغاز می‌شود تا تیم‌های لیگ برتری خودشان را برای حضور در رقابت‌های اروپایی آماده کنند. با توجه به این که فینال جام حذفی انگلیس هم ۳۰ می انجام می‌شود و آرسنال هم باید هفته آینده در چارچوب همین جام به مصاف ردینگ برود، تعداد بازی‌های این تیم بسیار بالاست. تا پایان فصل، بازی‌های بین‌المللی نیز باید انجام شوند و بلافاصله پس از پایان فصل و چند روز استراحت، تمرین‌های تور تابستانی آغاز می‌شوند.

توپچی‌ها قرار است در تابستان پیش‌رو به مالزی و استرالیا سفر کنند تا اردوی پیش فصل و دیدارهای تدارکاتی‌شان را در این دو کشور برگزار کنند. ژوزه مورینیو، سرمربی چلسی نیز پیش‌تر اعلام کرده بود تیمش قرار است پس از کسب قهرمانی در لیگ برتر انگلیس می‌خواهد به اردویی خارج از انگلیس برود. از ژاپن به عنوان مقصد آبی‌ها یاد شده است.

از سوی دیگر آرسنال پس از پایان اردو در استرالیا و مالزی، راهی سنگاپور می‌شود. آنها در راه بازگشت از خاور دور، به امارات متحده عربی خواهند رفت تا در جامی که در این کشور برگزار می‌شود نیز شرکت کنند.

آرسن ونگر اگر چه معتقد است باشگاه‌های بزرگ اروپایی باید از فرصت‌های تبلیغاتی که برایشان ایجاد می‌شود نهایت استفاده را ببرند و هواداران زیادی را از در سراسر دنیا برای خود جمع کنند اما این مساله فاصله زیادی با دنیای پاک فوتبال دارد.

ونگر در این زمینه گفت: نه، به هیچ وجه تیمم را به اردوهای پس از پایان فصل نمی‌برم. این طور توها یک کابوس هستند. در اردوهای پیش فصل، بازیکنان زیر فشار زیادی هستند تا خودشان را برای آغاز فصل آماده کنند اما در اردوهای که پس از پایان فصل برگزار می‌شوند، درست است که هواداران زیادی برای تماشای مسابقه می‌آیند اما بیشتر بازیکنان در تعطیلات به سر می‌برند. البته فضای خوبی بر آن حاکم است و سختی مسابقه‌هایی که پیش از آغاز فصل برگزار می‌شوند را ندارد. ممکن است تور تعطیلات خوبی باشد و فضای بسیار خوبی هم بر آن حاکم باشد اما از نقطه نظر فوتبالی، برگزار آن معنای خاصی ندارد.

آرسنال هر سال یک اردو در کشور اتریش برگزار می‌کند. آنها قرار است یک تور پیش فصل کوتاه مدت را نیز در کشور هند برگزار کنند که از نظر مالی برایشان عالی خواهد بود. ونگر بر این باور است که چنین سفرهایی می‌تواند به شناخته شدن هرچه بیشتر برند باشگاه آرسنال منجر شود.

ونگر در این زمینه گفت: برگزاری و حضور در چنین تورهایی طی یک مدت کوتاه، بسیار سخت است اما در هر حال باید راهی برای آن یافت. هیچ‌کس نمی‌تواند شهرت جهانی باشگاه را انکار کند و فکر می‌کنم همه از این که باشگاه بتواند پول درآورد، استقبال می‌کنند. اگر نتوانید تیم‌تان را خوب آماده کنید، تورهای پیش فصل بدون شک برای یک تیم به کابوس بدل می‌شوند. همه باشگاه‌ها به این که فصل آینده زودتر از موعد آغاز شود رای داده‌اند. این هم یک کابوس بزرگ برای ماست. برخی از بازیکنان باشگاه ما تا ۲۱ ژوئن (۳۱ خرداد) در کوپا آمریکا بازی می‌کنند. مساله‌ای که نگران کننده است این که ما در طول فصل، تعطیلات زمستانی هم نداریم. نمی‌دانم ما می‌خواهیم چه زمانی به بازیکنان بدهیم تا استراحت کنند. این، شدنی نیست.

سرمربی توپچی‌ها در ادامه تأکید کرد: من مخالف آغاز زود هنگام فصل هستم و ترجیح می‌دهم به جای این که فصل، زودتر از موعد آغاز شود، یک بازی بیشتر در تعطیلات کریسمس داشته باشیم. فکر می‌کنم هر تیمی بازیکنانی در اختیار دارد که باید به آنها اجازه دهد در تعطیلات تابستانی، به اندازه کافی استراحت کند. ما هیچ تعطیلاتی در زمستان نداریم و تصمیم گرفته‌ایم از این پس به بازیکنان تعطیلات تابستانی هم ندهیم.

ونگر در پایان ابراز امیدواری کرد مراحل پایانی آماده‌سازی تیمش برای فصل آینده با مسابقه‌های لیگ قهرمانان اروپا تداخل نداشته باشد.

آرسنال در این هفته از رقابت‌های لیگ برتر انگلیس باید به مصاف برنلی برود و به دنبال کسب هشتمین پیروزی پیاپی خود در لیگ برتر است. سرمربی فرانسوی آرسنال در این باره عنوان کرد: در سال‌های اخیر همواره می‌ترسیم مجبور باشیم برای راهیابی به لیگ قهرمانان اروپا مجبور باشیم در مسابقه‌های مقدماتی شرکت کنیم. اجازه بدهید اول از این که رتبه خوبی در لیگ برتر کسب می‌کنیم تا بتوانیم در آن دیدارها شرکت نکنیم، خیالمان راحت شود. اگر بتوانیم این کار را انجام دهیم، یک هفته پیش از آغاز اردوی سنگاپور می‌توانیم استراحت کنیم.



دومین نمایشگاه کتاب به مناسبت آغاز سال تحصیلی و بهار ۱۳۹۴

کتابستان

بیتاب نمایشگاه روز شنبه ۲۲ حمل ۱۰ صبح

زمان: ۲۲ تا ۲۴ حمل ۱۳۹۴
ساعت: ۱۰ صبح تا ۴ عصر



۱۰٪
کاهش قیمت

از جمله کتاب‌های:

- حقوق و علوم سیاسی
- اقتصاد و مدیریت
- جامعه‌شناسی و تاریخ
- امپراتور و زبان‌های خارجی
- طب و آناتومی
- فلسفه، ادبیات و هنر
- کتاب‌های کودکان
- وسایل و کتاب‌های هنری
- نوشت‌های افشار
- کتاب‌های کمک‌آموزشی کودکان و نوجوانان
- بازی‌های فکری و سرگرمی
- مجموعه‌های علمی-مکتبی
- نرم افزار، چاپ و صنعتی

همراه با
بخش ویژه کودک و نوجوان

افراد مسلح ۲۰ کارگر ساختمانی را در بلوچستان کشتند



در یک حمله صبح زود روز شنبه در ایالت بلوچستان در جنوب غرب پاکستان، شمار زیاد کارگران ساختمانی کشته شدند. درگیری های مختلف از سال ها به این طرف سبب ناآرامی ها در این ایالت غنی از گاز و منابع دیگر طبیعی شده است.

پولیس محلی در رابطه با قتل ۲۰ کارگر ساختمانی در ایالت بلوچستان پاکستان گفته است که این افراد یکسر از فاصله بسیار نزدیک به ضرب گلوله کشته شده اند. پولیس افزوده است که عاملان مسلح یک اردوگاه کارگران را مورد حمله قرار دادند که در آن کارگران یک پروژه بند آب می خوابیدند. از قرار معلوم به طور مشخص افرادی به قتل رسانده شده اند که از منطقه نبوده اند. پولیس گفته است که کارگران کشته شده از ایالت های پنجاب و سند بوده اند. شورشیان در بلوچستان از جمله خواهان پایان بهره برداری از منابع طبیعی بلوچستان توسط مناطق دیگر پاکستان اند.

اکبر حسین درانی وزیر داخله ایالت بلوچستان شورشیان این ایالت را مسئول قتل این کارگران در پانزده کیلومتری شهر توربات خوانده است. سه زخمی این حمله گفته اند که افراد مسلح بر کارگرانی که هنوز در خواب بودند با ماشیندار آتش کشوند و سپس با موتورسایکل ها از آنجا فرار کردند.

یک نماینده حکومتی این رویداد را تأیید کرده است. به اساس اظهارات این نماینده، قطعات شبه نظامی که این پروژه را باید محافظت می کردند، از ترس حمله کنندگان فرار کرده اند. به گفته یک سخنگوی حکومت محلی ایالت

بلوچستان جست و جوی عاملان فراری آغاز شده است. بلوچستان، که با افغانستان و ایران مرز مشترک دارد، یکی از فقیرترین ایالت های پاکستان و همزمان منزلگاه طالبان، قاچاقچیان مواد مخدر، آدم ربایان، ملیشه های قومی و گروه های ملیشه ای تحت حمایت دولت است که غالباً به کشتار غیرقانونی دست می زنند. مسئولیت این حمله را تا هنوز کسی بر دوش نگرفته است.

مواگابه: نمی خواهیم حتی یک سفیدپوست را ببینیم!



رییس جمهوری زیمبابوه هنگامی که با گروهی از خبرنگاران در آفریقای جنوبی مواجه شد، با اعلام اینکه «نمی‌خواهد شاهد یک سفیدپوست باشد» از خبرنگاران روی برگرداند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، رابرت موگابه رییس‌جمهوری زیمبابوه در حال بازدید از «سووتو»، مرکز تلاش‌های ضد آپارتاید در آخرین روز از سفرش به آفریقای جنوبی بود که با گروهی از خبرنگاران مواجه شد اما وی ناگهان به این گروه از خبرنگاران پشت کرده و گفت: نمی‌خواهم حتی یک سفید پوست را هم ببینم.

همزمان با اینکه موگابه یکی از موزه‌های یادبود برای قیام دانش آموزان سال ۱۹۷۶ میلادی در سووتو را ترک می‌کرد، رسانه‌های آفریقای جنوبی این اظهارات موگابه را ضبط کردند. موزه هکتور پیترسون به منظور یاد بود حدود ۲۰۰ دانش آموز سیاهپوست غیرمسلح بنا شده که در جون سال ۱۹۷۶ میلادی در جریان تظاهرات توسط پلیس سفیدپوست کشته شدند. موگابه ۹۱ ساله معمولاً از کشورهای غربی و قدرت‌های استعماری سابق انتقاد می‌کند.

وی روز چهارشنبه در کنفرانس خبری مشترکی با جاکوب زوما، رییس جمهوری آفریقای جنوبی از شورای امنیت سازمان ملل، امریکا و انگلیس انتقاد کرده بود. این سفر دو روزه موگابه به آفریقای جنوبی نخستین سفر رسمی‌اش به این کشور در دو دهه اخیر محسوب می‌شود.

پوتین تأثیرگذارترین شخصیت سال مجله تایم

از نگاه خوانندگان

مجله تایم اعلام کرد که تأثیرگذارترین چهره سال ۲۰۱۵ از نگاه خوانندگان این نشریه امریکایی رییس‌جمهوری روسیه است.

به گزارش شبکه روسیه الیوم، نظرسنجی سالانه مردمی درباره تأثیرگذارترین شخصیت جهانی که به «تایم ۱۰۰» معروف است پایان یافت و ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه با ۶۹ درصد آرا توانست به این عنوان دست یابد.

بنا بر آمار منتشر شده از سوی این مجله امریکایی پاپ با ۱٫۵ درصد آرا در جایگاه دهم قرار دارد در حالی که باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا با ۱٫۴ درصد در مقام یازدهم قرار گرفته است.

همچنین خوانندگان این مجله شش خواننده پاپ را که همگی زن هستند جزو ۱۰ چهره تأثیرگذار سال جاری میلادی انتخاب کردند.

یک خواننده کره‌جنوبی نیز که تا پنج روز پایانی این نظرسنجی از پوتین پیشی گرفته بود در رده دوم قرار گرفت.

اعلام رسمی نتایج این نظرسنجی اینترنتی احتمالاً دوشنبه خواهد بود.



سازمان ملل:

بحران یمن در حال بدتر شدن است



سخنگوی سازمان ملل اعلام کرد، اوضاع انسانی در یمن ساعت به ساعت در حال بدتر شدن است.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی، از ۱۹ مارچ تا ۶ اپریل ۲۰۱۵، ۲۲۲۶ تن در یمن زخمی و ۶۴۳ تن هم کشته شدند.

استفان دوجاریک، سخنگوی سازمان ملل گفت: درگیری های گسترده در عدن گزارش شده و تعداد زیادی از داوطلبان کمک‌های بهداشتی و درمانی از جمله کارمندان یک سازمان غیردولتی در یمن توسط گروه‌های درگیر ربوده و به مناطق نامعلومی برده شده‌اند.

وی ادامه داد: وضعیت اردوگاه‌ها نامشخص است و نگرانی‌ها درباره وضعیت آنها وجود دارد.

یوهانس ون درکلاد، هماهنگ کننده امور بشردوستانه سازمان ملل برای یمن نیز از تمام طرف‌های درگیر در یمن خواست تا برای ارسال کمک‌های بشردوستانه در این کشور درگیری ها را متوقف کنند تا این کمک‌ها به صورت امن به دست افراد بسیار آسیب پذیر برسد.

Mandegar

هزینه های تبلیغات شما در روزنامه ماندگار

ماندگار

شماره	موقعیت اعلان در روزنامه	اندازه	از ۱ الی ۳۰ روز	از ۳۱ الی ۸۰ روز ۲۰٪ تخفیف	برای ۱۸۰ روز ۴۰٪ تخفیف
۱	قسمت بالای صفحه کنار لوگو	14/4 cm	60 \$	48 \$	36 \$
۲	نصف پائین صفحه اول	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۳	بنا در صفحه اول یا اخیر	3/25 cm	70 \$	56 \$	42 \$
۴	مکمل صفحه داخلی	36/25 cm	350 \$	280 \$	210 \$
۵	قسمت بالای صفحه اخیر	12/6 cm	100 \$	80 \$	60 \$
۶	نصف پائین صفحه اخیر	16/25 cm	250 \$	200 \$	150 \$
۷	در قسمت بالای وب سایت		برای 7 روز 400 \$	برای 14 روز 600 \$	برای 30 روز 1200 \$